

فصلنامه علمی «پژوهش انحرافات و مسائل اجتماعی»

شماره دوم، زمستان ۱۴۰۰: ۱۷۱-۱۴۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

نوع مقاله: پژوهشی

بررسی جامعه‌شناختی الگوهای ازدواج در خانواده‌های طلبه به مثابه موضوع تعارض نسلی از منظر فرزندان

* زهرا موحدی ساوجی

** منصوره اعظم آزاده

*** سید مهدی اعتمادی فرد

چکیده

موقعیت گذار ایران از سنت به مدرنیته شرایط جدیدی را به لحاظ چالش‌های میان دو نسل رقم زد. یکی از این چالشها در زمینه ازدواج است. فرهنگ ازدواج در ایران همواره همراه با حضور و نقش پررنگ خانواده‌ها بوده است و اساساً ازدواج به پیوندی خانوادگی تعبیر می‌شود. در دوران‌هایی انتخاب فرد مناسب برای زندگی مشترک از ابتدا توسط خانواده انجام می‌شد؛ پیوندهای زناشویی کمتر به پشتوانه عشق رمانتیک، بلکه بر مدار منافع و مضار و صلاح‌دید خانواده‌ها بود. این الگو به مرور زمان تعدیل شده و بدیل‌های متعددی نیز یافته است. در این تحقیق به دنبال بررسی توصیفی-تحلیلی تعارضات برآمده از الگوهای ازدواج میان والدین طلبه و فرزندان هستیم. بررسی استراتژی‌ها و راهکارهای آنها در مواجهه با این تعارضات بخش دیگری از هدف این تحقیق است. برای ارائه توصیفی دقیق و عمیق از مسائل نسلی خانواده‌های طلاب، رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای مناسب به نظر رسید. «زیّ طلبگی»، خرده‌فرهنگی است که برای

* نویسنده مسئول: دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهراء، ایران

z.movahedi.s@gmail.com

maazadeh@gmail.com

etemady@ut.ac.ir

** دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، ایران

*** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، ایران



شناخت آن به طور عام و شناخت مسائل درون خانواده، بهترین گزینه، اتکا به روایت‌های بازیگران میدان و نزدیکی هرچه بیشتر به آن برای دستیابی به فهم عمیق‌تر به نظر می‌رسد. بررسی داده‌ها نشان می‌دهد سه الگوی تقابل در میان فرزندان و والدین طلبه وجود دارد که عبارتند از: درون‌همسرگزینی در مقابل برون‌همسرگزینی، تعجیل در ازدواج در مقابل تأخیر در ازدواج، و ازدواج مبتنی بر کهنسال‌سالاری در مقابل ازدواج مبتنی بر آزادی. در بررسی مواجهه فرزندان با تعارضات در الگوهای ازدواج نیز سه استراتژی شناسایی شد که شامل استراتژی ستیز، استراتژی تسلیم، و استراتژی پنهان‌کاری است. بررسی داده‌های تحقیق نشان می‌دهد تجربه طلاق در فرزندان و روابط عاطفی حاکم بر خانواده اهمیت بالایی در نوع مواجهه فرزندان با تعارضات دارد. نتیجه دیگری که از مطالعه داده‌ها به دست آمده، نقش متغیر زمینه‌ای «جنسیت» در تشدید تعارضات است؛ چرا که به نظر می‌رسد نگرش والدین نسبت به فرزندان دختر و پسر تفاوت فاحشی دارد. در بخش نتایج همچنین به نقش تسهیل‌گرانه «وضعیت تحصیلی» اشاره شده است که «میانجی تسهیل ارتباط در مقام تعارض» خوانده می‌شود.

واژه‌های کلیدی: تعارضات نسلی، الگوهای ازدواج، فرزندان طلبه.

مقدمه

از چند دهه گذشته تا به امروز، «انقلاب» عمیق‌ترین کنش سیاسی جامعه ایران بوده است. مطالعات نشان می‌دهد جوامعی که تغییرات شدید مثل انقلاب را تجربه کرده‌اند، در معرض رویارویی با شکاف نسل‌ها هستند. علاوه بر این، تغییرات ناشی از نوسازی در سیاست سال‌های پس از جنگ ۸ ساله ایران و عراق، شرایط ایجاد تغییر در نظام‌های ارزشی را فراهم کرد. به عبارت دیگر، مدرنیته الگوهای معرفتی نسل گذشته را تغییر داده و این موضوع شرایط جدیدی را در ایران به لحاظ چالش‌هایی میان دو نسل رقم زد (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۱۰) و (معیدفر، ۱۳۸۳: ۷۴-۷۵). انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ علاوه بر تغییرات سیاسی، تأثیرات مهمی در تغییر موضع روحانیت از موضعی غیرحکومتی به حاضر در متن قدرت سیاسی به همراه داشته است. طلاب بخشی از کنشگران جامعه ایران‌اند که پیرو تغییر رویکرد حاکمیت پس از انقلاب در زمینه افزایش تعداد حوزه‌های علمیه و تربیت نیروهای متخصص برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و سیاست‌های اتخاذشده به‌دنبال آن در دهه‌های اخیر، رشد جمعیتی قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند.

حجت‌الاسلام علی‌اصغر عبداللہی معاون اداری مالی حوزه‌های علمیه خاوران کشور در مصاحبه‌ای در سال ۱۳۹۴ گزارش داد که هم‌اکنون ۴۸۰ حوزه علمیه فعال در سراسر کشور وجود دارد و ۱۷۰ حوزه علمیه دیگر نیز در دست ساخت است (۱۳۹۴، همشهری). طبق آخرین گزارش، در سال ۱۳۹۵، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور روحانیت اعلام کرد: حدود ۲۰۰ هزار روحانی در سراسر کشور مشغول فعالیت هستند (ایرنا، ۱۳۹۵). طلاب که در سال‌های اخیر به لحاظ آماری رشد چشمگیری داشته‌اند، کنشگران فعال در دو عرصه خانواده و دین هستند و حیات ایشان از مهمترین عرصه‌های نمود زیست دیندارانه به شمار می‌رود.

پژوهش‌های بی‌شماری به مسائل نهاد خانواده اختصاص یافته‌است که بخش قابل توجهی از آنها با نگاهی جامعه‌شناختی به ابعاد اجتماعی این پدیده پرداخته‌اند. علی‌رغم اهمیت مسئله، مطالعه حوزه و طلاب در تحقیقات دانشگاهی شامل موارد معدودی می‌شود که این خود گویای اهمیت مطالعه این قشر است.

حوزه علمی علاوه بر نهادی آموزشی و محلی برای دریافت واحدهای درسی، محمل شکل‌گیری روحیات و عادت‌واره‌هایی پایدار برای طلاب است که از آن تحت عناوینی چون «زی طلبگی» یاد می‌شود. برخورداری از معرفت حوزوی یا به تعبیر بوردیو، کسب سرمایه‌های فرهنگی میدان، حیات اجتماعی طلاب را در ابعاد گوناگون تحت تأثیر قرار داده‌است. به طوری که نظام تعلیم و تربیت حوزه همه ابعاد زندگی حوزویان را دربرمی‌گیرد. تربیت و تعامل با فرزند از عرصه‌های برجسته متأثر از این نظام جامع‌الشمول است. در این نگاه فرزند باقیات‌الصالحات است و والدین نسبت به اعمال نیک و بد فرزندان حتی پس از مرگ نیز مسئول هستند و ثواب و گناه عمل آنها به ایشان خواهد رسید. بنابراین قابل درک و پیش‌بینی است که نسبت به مسائل شرعی زندگی فرزندان خود حساس باشند. نگاه به خانواده، ازدواج و الگوهای همسرگزینی یکی از مظاهر بارز تعارضات میان نسل والدین و فرزندان است.

در باب میزان تعارضات نسلی در میان طلاب، آمار و اطلاعات قابل دستیابی وجود ندارد اما این مسئله از شواهد و قرائنی چون میزان مراجعه طلاب به مرکز مشاوره حوزه، برگزاری کارگاه‌ها و سخنرانی‌های متعدد با موضوع تربیت فرزند، مواجهه با جوان و نوجوان و... حکایت از روند روبه‌رشد این مسئله در بین این قشر و نیز سایر اقشار جامعه دارد و نشان‌دهنده یک مسئله و نیاز ایجادشده در زندگی خانوادگی طلاب است. محتمل است نرخ و وضعیت تعارضات نسلی در خانواده‌های طلبه از وضعیت و نرخ کلی تعارضات نسلی در جامعه تبعیت کند.

مسئله پژوهش معطوف به شکاف میان امر مطلوب و واقعیت موجود در زندگی فرزندان طلبه است. اینکه از یک سو، امروز تنها آبخور معرفتی فرزندان، خانواده نیست، بلکه خانواده یکی از نهادهای متولی و مؤثر در امر آموزش و تربیت فرزندان محسوب می‌شود و از این‌رو خانواده در تطبیق فرزند با نظام معرفتی خود لزوماً موفق نخواهد بود. قابل پیش‌بینی است که برخوردار نبودن فرزندان از منش حاصل از نظام معرفتی حوزه، بستر ایجاد تعارضاتی بین والدین و فرزندان است. از سوی دیگر، تعارضات در بستر خانواده به‌عنوان پشتوانه امنیت و عاطفه فرد در حال وقوع است؛ بستری غیر از بستر سایر تعارضات در سایر مناسبات اجتماعی.

افزایش تعارضات نسلی در بستر معرفتی دینی و در زمینه تربیتی حوزوی تناقض مسئله را بیشتر نشان می‌دهد. در این وضعیت متناقض پرسش اصلی آن است که فرزندان طلبه با توجه به ضرورت‌ها و مناسبات طلبگی خانواده، در مواجهه با مناقشات نسلی مرتبط با ازدواج و تشکیل خانواده چه استراتژی‌هایی دارند؟

اهداف تحقیق

- شناخت تعارضات برآمده از الگوهای ازدواج میان والدین طلبه و فرزندان
- شناخت استراتژی‌ها و راهکارهای آنها در مواجهه با این تعارضات

پرسش‌های تحقیق

- والدین و فرزندان در زمینه ازدواج مطابق چه الگوهایی عمل می‌کنند؟
- فرزندان در مواجهه با الگوهای ازدواج متعارض با والدین چه می‌کنند؟

پیشینه تجربی

مطالعات درباره الگوی خانواده در حال گذار ایرانی، برای اولین بار توسط مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان و جمعیت‌شناسان در سال ۱۳۳۷ آغاز شد و روش بررسی آنها آماری بود. همچنین، آنچه در بسیاری از پژوهش‌ها دیده می‌شود، غلبه رویکردهای کارکردگرایی ساختاری و اخیراً رویکردهای جنسیتی و مطالعات فرهنگی است. با مروری بر این آثار می‌توان گفت پژوهش‌های خانواده عموماً در سه جهت حرکت کرده‌اند. دسته اول بر کارکردها و مؤلفه‌های ساختاری خانواده متمرکز بوده‌اند. دسته دوم نگرشی آسیب‌شناختی به مسائل خانواده داشته‌اند. برخی از آنها دارای رویکرد فمینیستی و برخی دیگر، حقوقی‌اند. دسته سوم تغییرات و تحولات خانواده در ابعاد مختلف از جمله شیوه‌های همسرگزینی، علل فروپاشی ساختار، نوع خانواده و بعد خانواده را بررسی کرده‌اند. در برخی از این آثار، از تحلیل ثانویه و تحلیل نتایج سرشماری‌ها و آمارهای موجود استفاده شده است. در ادامه به برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه که ارتباط موثقی با موضوع این تحقیق دارند، اشاره خواهد شد:

«آموزه‌های دینی و سبک زندگی (مطالعه جامعه‌شناختی سبک زندگی طلبگی)» در سال ۱۳۹۱ به عنوان پایان‌نامه کارشناسی ارشد یاسر فروغی انجام شده است. این پژوهش درصدد یافتن ارتباط آموزه‌های دینی با سبک زندگی طلاب است و برای فهم این ارتباط به دنبال کشف عناصر زندگی طلبگی نیز است. همچنین پژوهشگر می‌خواهد بداند تحولات و تغییرات جریان اجتماعی چه آثار و تغییراتی را بر زیست طلبگی بر جای گذاشته است. برای دستیابی به این هدف رویکرد کیفی، رویکرد روشی مناسب به نظر رسیده و روش «نظریه زمینه‌ای» یا «گراندد تئوری» برای بررسی داده‌ها انتخاب شده است. همچنین داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته، مشاهده میدانی نیمه‌مشارکتی، فیلم و عکس و اسناد و مدارک جمع‌آوری شده است. در پایان این پژوهش به دو نوع سبک زندگی در طلاب اشاره می‌کند: «سبک زندگی سنت‌محور» و «سبک زندگی عرف‌محور».

مقاله «بررسی ویژگی‌های جامعه‌شناختی نمونه نوعی محصل علوم دینی در حوزه علمیه قم (طلاب دوره سطح)» را مهدی سلیمانیه و سارا شریعتی در سال ۱۳۹۴ نوشته‌اند. این پژوهش در پی شناخت ابعاد عینی و گرایش‌های ذهنی زندگی طلاب است. برای پاسخ به پرسش‌ها و رسیدن به اهداف این پژوهش، رویکرد کیفی به عنوان رویکرد روشی اتخاذ شده است و برای این امر ۹ نفر از طلاب دوره سطح مشغول به تحصیل در حوزه علمیه قم و دو تن از اساتید و مدیران حوزه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و داده‌ها از طریق «مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته» و مشاهده ساخت‌یافته و نیمه‌ساخت‌یافته جمع‌آوری شده‌اند. روش «گراندد تئوری» یا «نظریه زمینه‌ای» و «تیپولوژی» (برساختی) نیز در مرحله تحلیل داده‌ها به کار گرفته شده‌اند. این پژوهش دو سنخ نوگرا و سنتی از طلاب را شناسایی می‌کند و ایشان را در هفت متغیر از هم متمایز می‌سازد.

حانیه حیدرپور در پژوهشی که در سال ۱۳۹۶ در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد انجام داده است، در پی یافتن موضوعات مناقشه‌آمیز در زندگی زناشویی زنان طلبه و همچنین استراتژی‌های ایشان در مواجهه با این مناقشات است. «مطالعه جامعه‌شناختی

مواجهه زنان طلبه با مناقشات زناشویی» در پی کشف معنای استراتژی‌ها در نظام معنایی و معرفتی زنان طلبه است. رویکرد روشی برای پاسخ به مسئله پژوهش کیفی است و داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته و مشاهده و مشارکتی جمع‌آوری شده است. این پژوهش زمینه‌های اساسی ایجاد مناقشه و سه استراتژی «مدارا»، «مقاومت» و «مبادله» را در مواجهه با این موقعیت‌ها تشخیص داده است.

در مجله روابط بین‌نسلی^۱ مقاله‌ای تحت عنوان: «پل‌زدن بین نسل‌ها: یک بررسی واپس‌نگر از روابط بزرگسالان با سرپرستان خویشاوند» در سال ۲۰۰۹ چاپ شده است که تجربه فرزندان تحت مراقبت خویشاوندان را در مواجهه با خویشاوندان سرپرست‌شان مطالعه می‌کند. مگان دولبین مکناپ^۲، برندن راجرز^۳ و رایان تریلر^۴، سه نویسنده این مقاله، به بررسی نقاط ضعف و قوت و چالش‌های روابط آنها پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق، چالشی بودن روابط را خاطر نشان می‌کند؛ گرچه قدرت و استحکام نیز در روابط وجود دارد. چالش‌های تجربه‌شده مربوط می‌شود به تعارضی که افراد در روابط والدین و سرپرستان تجربه کرده‌اند و تعارضاتی که به انتظارات و قواعد متفاوت دو نسل مربوط می‌شود.

مقاله دیگری با عنوان «روابط پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با نوه‌ها در اسرائیل: مقایسه‌ای بین گروه‌های مختلف مذهبی یهودی»^(۱) در سال ۲۰۱۵ توسط آهووا اون‌زوهار در مجله مطالعات بین‌نسلی به چاپ رسیده است. این مقاله ارتباط دین‌داری پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها با نوه‌ها در جامعه یهودی اسرائیل را بررسی کرده و بیان می‌کند که پدربزرگ‌مادربزرگ‌های مذهبی در زمینه سنت، دانش، ارزش‌ها و رفتارها بیش‌تر با نوه‌های خود دچار چالش می‌شوند. اما پدربزرگ‌مادربزرگ‌های سکولار در مقایسه با پدربزرگ‌مادربزرگ‌های دین‌دار سنتی نوه‌های خود را بیش‌تر حمایت می‌کنند. از سوی دیگر نوه‌های مذهبی بزرگسال بیش‌تر به پدربزرگ‌مادربزرگ‌های خود رسیدگی می‌کنند.

«چالش جوانی مهاجمان آب و هوا: تکامل شکاف نسلی در نگرش‌های زیست‌محیطی

1. Journal of Intergenerational Relationships
2. Megan L. Dolbin-macnab
3. Brandon E. Rodgers
4. Ryan M. Traylor

از سال ۱۹۹۹^(۲)» عنوان مقاله دیگری است که در سال ۲۰۱۹ در مجله فرونتیرز^۱ چاپ شد. این پژوهش نیز شکاف نسلی را هدف مطالعه خود قرار داده است. محققان^۲ این پژوهش می‌خواهد بدانند آیا این واقعیت که جوانان این جنبش را آغاز کردند، به در دسترس بودن زندگی و تمایل آنها به اعتراض مرتبط است؟ یا آیا این واقعیت را منعکس می‌کند که نسل جوان امروز ترجیحات خاصی دارد که با نسل‌های قبلی متفاوت است؟ با این پیش‌فرض که اعتصاب آب و هوا یک جنبش جوانان است و جوانان بیشتر نگرش‌های طرفدار محیط زیست دارند، و با استفاده از داده‌های رویدادهای اعتراضی، بررسی اعتصاب آب و هوا، و داده‌های طولی به این نتیجه دست یافتند که مهاجمان اقلیمی که در تظاهرات ملی در برن شرکت کردند، از همه نسل‌ها بودند. علاوه بر این، داده‌های پانل نشان می‌دهد که شکاف در نگرش‌های طرفدار محیط زیست فقط به جوانان و پاسخ‌دهندگان مسن‌تر محدود می‌شود.

با توجه به بررسی پژوهش‌های انجام‌شده می‌توان دریافت که در زمینه جامعه طلاب، به‌ویژه خانواده‌های طلبه، تحقیقات علمی به قدر لازم انجام نشده است. تحقیقات حوزه جامعه‌شناسی نسل اگرچه پرشمارند و بعضاً به تفاوت‌های ارزشی (از جمله ارزش‌های دینی) نسل‌ها نیز می‌پردازند اما هیچ‌یک پیوندی با میدان طلبگی برقرار نکرده بودند. از این جهت موضوع این تحقیق برای حوزه جامعه‌شناسی تشیع به خاطر پرداختن به مسائل نسلی و برای جامعه‌شناسی نسلی از حیث ورود به میدان زیست‌طلاب بدیع به حساب می‌آید. از طرف دیگر مسیر صحیح دستیابی به علم بومی جامعه ایرانی، تلاشی روشمند برای شناخت عمیق متن جامعه ایران، پژوهشی برآمده از زمینه، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در راستای این احساس خلأ موضوع این تحقیق صورت‌بندی و دنبال شد.

فضای مفهومی

نسل: درباره ماهیت مفهوم نسل تلقی‌های مختلفی در رویکردهای مختلف علوم اجتماعی وجود دارد. ورود ادبیات نسل به جامعه‌شناسی در دهه ۳۰ میلادی و با

1. frontiers in political science

2. Jasmine Lorenzini, Gian-Andrea Monsch and Jan Rosset

نظریات کارل مانهایم رقم خورد. همچنین در دهه ۷۰ رونالد اینگلهارت و سپس ترنر در دوران معاصر برخی دیگر از جامعه‌شناسان به مطالعه نسل پرداخته‌اند که در بخش نظریات که به برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته خواهد شد (آزاد، ۱۳۸۹: ۲۳).

متفکران حوزه نسل از ابعاد و جهات مختلفی به تعریف نسل پرداخته‌اند. نسل را می‌توان فاصله بین والدین و فرزندان دانست. بالس بیست و پنج سال را فاصله بین دو نسل می‌داند. به این معنا که پس از هر دوره بیست و پنج ساله شاهد حیات نسل جدیدی خواهیم بود. اما تاریخ‌نگاران و نظریه‌پردازان فرهنگ عامه دهه‌ها را دارای تفاوت‌های معنادار می‌دانند. به این معنا که هر ده سال «ذهنیت نسلی» جدیدی شکل می‌گیرد. یا به عبارت دقیق‌تر از نظر آنها هر ده سال امکان شکل گرفتن نسل جدیدی وجود دارد. بر طبق این برداشت در پژوهش‌های آنها دهه واحد مطالعه نسل قرار گرفته است. برداشت بالس از نسل قرابت بیش‌تری با درک اجتماعی این تحقیق از مفهوم نسل دارد. برداشتی که معتقد است فرهنگ، ارزش‌ها، علایق، رویکردهای سیاسی و قهرمان‌های اجتماعی در بازه‌های ده ساله تعاریف جدیدی پیدا می‌کنند و این ذهنیت مشترک نسل‌ها را پدید می‌آورد (بالس، ۱۳۸۰: ۶). استوارت هیوز معتقد است که نسل بر اساس تجربیات مشترک جمعی از افراد شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، جمعی از افراد که وضعیت مشترکی را تجربه می‌کنند، نسل را تشکیل می‌دهند (هیوز، ۱۳۶۹: ۱۸).

تعارض نسلی: در تعریف از تعارض میان نسل‌ها آمده است که وضعیتی است که افراد هویت خود را در تعارض با گذشتگان خود می‌بینند (آزاد، ۱۳۸۹: ۱۶). این تعارض در مظاهر فرهنگی و سلوک اجتماعی خود را نشان می‌دهد و اگر وجه غالب آن در روابط نسل جدید و قدیم است اما می‌تواند حتی بین قشرهای مختلف جامعه نیز به وجود آید (علیخانی، ۱۳۸۳: ۵۴). این وضعیت در شرایطی که منابع هویتی نسلی پیوستگی و همگونی نداشته و تقویت‌کننده هم نباشند، فراهم می‌شود (آزاد، ۱۳۸۹: ۱۶). در این تحقیق منظور از تعارض نسلی، تفاوت‌ها و تضادها و همچنین چالش‌ها، تنش‌ها و منازعاتی است که میان فرزندان و والدین‌شان ممکن است وجود داشته باشد.

چارچوب مفهومی

چنان‌که در بخش روش تحقیق مفصلاً بیان خواهد شد، رویکرد روشی حاکم بر این

تحقیق رویکرد روش‌شناختی کیفی است. در تحقیقات با رویکرد کیفی مرور ادبیات به منظور مجهز شدن به دانش زمینه‌ای در حیطه موضوع پژوهش صورت می‌گیرد (فیلیک، ۱۳۹۲: ۶۵). در تحقیقات مبتنی بر این رویکرد پیش‌فرض‌های نظری نخواهیم داشت؛ بلکه مطالعه و پشتوانه نظری با ایجاد «حساسیت نظری» به محقق در تحلیل و بررسی داده‌های تحقیق کمک خواهد کرد. در موضوع بررسی تعارضات نسلی میان فرزندان و والدین طلبه، نظریه نسل تاریخی کارل مانهایم در ایجاد حساسیت نظری محقق تأثیرگذار بود (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵: ۶۸).

مانهایم و نسل: مانهایم تأکید دارد «نسل» موجودیتی اجتماعی دارد، نه یک ضرورت فیزیولوژیک (یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). در نظریه مانهایم وقتی از نسل صحبت می‌شود، منظور آگاهی تاریخی-اجتماعی مشترکی است که افراد یک نسل دارا هستند و آن را درونی می‌کنند، در یک حس بنیادی که ناشی از اشتراک در تاریخ است، شریک‌اند (همان: ۶۹). کما اینکه تجربه تاریخی نسل جوانان (۱۸-۴۰ سال) با تجربه نسلی والدینی که دیگر با به میان‌سالی گذاشته‌اند، متفاوت است. نسل جدید جوانی خود را در اوج عصر ارتباطات و ظهور مدرنیت می‌گذرانند؛ در حالی که والدین از جهان سنتی و با دلبستگی به آن و ارزش‌های آن برخاسته‌اند. نظریه نسل تاریخی مانهایم چند پایه اساسی دارد: تجربه وقایع و تغییرات اجتماعی-تاریخی در سطح کلان، تجربه این حوادث توسط گروه سنی حدود ۲۵-۱۷ سال به طور مشترک، ایجاد ذهنیت یا آگاهی مشترک در مجموعه‌ای از افراد که این وقایع را تجربه کرده‌اند، و تأثیر ذهنیت نسلی حاصل از تجارب بر گرایش‌ها و اعمال نسل و پایداری نسبی این گرایش‌ها (قاضی‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۰۳). نظریه مانهایم بیان می‌کند که نسل در جریان کنش و تجربه مشترک تاریخی پدید آمده و از طریق آگاهی و حافظه جمعی پایدار می‌شود و منبعی برای هویت ارزشی افراد به حساب می‌آید. افراد یک نسل از دید و تفسیر متفاوتی نسبت به افراد همتای خود، اما در نسل دیگر برخوردارند. از نظر مانهایم، تجارب و آگاهی‌های خاص و مشترک هر نسل است که می‌تواند تغییرهای اجتماعی را رقم زند (همان). ملاحظه نقاط عطف تاریخی در دوره جوانی والدین و فرزندان تبیین تعارضات نسلی را وضوح می‌بخشد؛ نسلی که جوانی خود را با مبارزات انقلابی و سپس مبارزه با تجاوزات خارجی طی هشت سال جنگ سپری

کرده است، در مقایسه با نسلی که کودکی خود را در این جنگ سپری و تجربه جوانی‌اش مصادف با تلاش برای سازندگی خرابی‌های پس از جنگ بوده است. مقایسه تجربه تاریخی این دو نسل به‌خوبی تفاوت در نظام ارزشی و معرفتی دو نسل را تبیین خواهد کرد.

روش تحقیق

در این تحقیق، میدان مورد بررسی زیست جهان خانواده‌های طلبه است و ما به دنبال فهم معانی ذهنی و تفسیر فرزندان طلبه از تعارضات هستیم. آنچه از آن تحت عنوان «زیّ طلبگی» یاد می‌شود، خرده‌فرهنگی است که برای شناخت آن بهترین گزینه، اتکا به روایت‌های بازیگران میدان است. رویکرد کیفی که مشخصاً نظریه زمینه‌ای یا گراند تئوری به‌نظر می‌رسد، کفایت انجام این کار را دارد (استراوس و کوربین، ۱۳۹۵: ۳۳).

«نظریه زمینه‌ای» به‌دلیل داده‌محور بودن بیش‌تر به واقعیت نزدیک است و فهم و بصیرت محقق را تقویت می‌کند (همان). این روش همچنین برای موضوعاتی که کمتر موضوع تحقیقات جامعه‌شناختی قرار گرفته‌اند، به‌دلیل تولید نظریات و گمانه‌های استقرایی بستر مناسبی ایجاد می‌کند (سلیمانیه، ۱۳۹۷: ۵۱). از این جهت به‌نظر می‌رسد این روش بیش‌ترین امکانات را برای تحقیق در الگوهای کنشگری، سبک زندگی و تعارضات بین‌نسلی که موضوعی نیازمند تفهم و دستیابی به دانش کنشگران است، فراهم می‌کند. از این رو، این روش به‌عنوان تکنیک تقلیل و تحلیل داده‌های تحقیق انتخاب شد.

در این تحقیق، تکنیک اصلی جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته بوده است. مصاحبه‌هایی که با سؤالات باز شروع می‌شوند، حاوی سؤالاتی برگرفته از حساسیت‌های نظری برانگیخته شده در محقق و گمانه‌های تحقیق‌اند و با سؤال مواجهه‌ای خاتمه می‌یابند (فیلیک، ۱۳۹۷: ۲۸۶). از میان انواع مصاحبه‌های موجود در سنت کیفی برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق، مصاحبه روایی یا «روایت» و مسئله‌محور به‌طور عمده استفاده شده‌است. مصاحبه معمولاً با طرح سؤال: «با والدینت برای ازدواج دچار چالش و تعارضی شدی؟ همیشه تعریفش کنی؟» که سؤالی مولد و باز

است، شروع شده‌است. در فرآیند جمع‌آوری اطلاعات تحقیق با تدوین راهنمای مصاحبه، طرح پرسش‌های مولد، ضبط گفت‌وگوها و سپس با رعایت قواعد مربوط به پیاده‌سازی سعی شد تا حد امکان بر پایایی داده‌ها افزوده شود. در ضبط کردن مصاحبه‌ها و تبدیل قاعده‌مند آنها به متن بین صحبت‌های مصاحبه‌گر و مصاحبه‌شونده تفکیک مشخصی وجود دارد با کارکرد و نتایجی مشابه اصول قراردادی یادداشت‌برداری.

چارچوب مصاحبه:

بخش‌های مصاحبه	محورهای هر بخش
اطلاعات زمینه‌ای	<ul style="list-style-type: none"> ■ سن ■ جنسیت ■ تحصیلات ■ وضعیت اشتغال ■ وضعیت تأهل ■ محل زندگی ■ قومیت ■ تعداد فرزندان خانواده ■ نسبت تعداد فرزندان دختر و پسر ■ چندمین فرزند بودن ■ سن والدین / فاصله سنی با والدین ■ تحصیلات حوزوی و دانشگاهی والدین ■ وضعیت اقتصادی و اشتغال والدین ■ محل زندگی والدین
موضوع تعارض	<ul style="list-style-type: none"> ■ روایت اولین تجربه چالش با والدین درباره ازدواج ■ روایت مهم‌ترین تجربه چالش با والدین درباره ازدواج ■ شرح جزئیات موضوع ■ شرح موقعیت تعارض ■ تفسیر رابطه جنسیت با تجربه تعارض

<ul style="list-style-type: none"> ▪ تأثیر طلبه بودن والدین ▪ تجربه‌های چالش‌های ناشی از «بچه آخوند»، «دختر/پسر طلبه» بودن یا مفاهیمی از این دست ▪ سن بروز تعارضات ▪ دسترسی به تکنولوژی 	
<ul style="list-style-type: none"> ▪ کیفیت و کمیت تعامل با والدین در حال حاضر ▪ افزایش یا کاهش تعارضات در حال حاضر ▪ میزان پذیرش تفاوت‌ها ▪ میزان تمایل به ازدواج با طلبه یا خانواده طلبه 	<p>تأثیرات برآمده از تعارض و شیوه مواجهه</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ میزان انعطاف در مناقشات ▪ شکل تعارضات/ نحوه بروز تنش‌ها ▪ حل‌شدن یا باز بودن مورد محل اختلاف ▪ امکان و میزان گفت‌گو ▪ تلاش طرفین برای حفظ رابطه ▪ روایت مصاحبه‌شونده از تأثیر جنسیت بر مکانیزم‌ها و شیوه‌های مواجهه با تعارض 	<p>شیوه مواجهه با تعارض</p>
<ul style="list-style-type: none"> ▪ تفسیر مصاحبه‌شونده از شرایط تربیتی خانواده ▪ بیان تجربه مشکلات یا اختلالات روان‌شناختی ▪ تفسیر مصاحبه‌شونده از رابطه والدین ▪ تفسیر و روایت مصاحبه‌شونده از روابط والدین و سایر فرزندان ▪ روایت مصاحبه‌شونده از حضور والدین در خانه ▪ دیدگاه مصاحبه‌شونده درباره حوزه‌علمیه و طلاب ▪ دیدگاه مصاحبه‌شونده درباره طلبه شدن خود 	<p>آثار برآمده از زمینه‌های خانوادگی</p>

استراتژی گردآوری اطلاعات در تحقیق کیفی نمونه‌گیری بر مبنای مرتبط بودن و نمایا بودن موردها است. از این‌رو «نمونه‌گیری نظری» نوع متداول نمونه‌گیری در تحقیقات کیفی و بالتبع این تحقیق است. همچنین در جمعیت‌هایی که دسترسی به نمونه‌ها با دشواری همراه باشد، پیشنهاد روش‌شناسان آشنایی با نمونه‌های جدید از

طریق نمونه‌های به‌دست‌آمده است. ما در این تحقیق از این شیوه نیز برای شناسایی نمونه‌های تحقیق استفاده کردیم. به این شکل که اولین نمونه‌ها را با شناخت محقق و از طریق حضور و زیست او در میدان به دست آوردیم. با شبکه ارتباطی مصاحبه‌شوندگان و آشنایان پیوند خوردیم و به حلقه ارتباطی آنها تا مرحله دستیابی به اشباع نظری پیوستیم. این شکل از نمونه‌گیری به‌جهت ارتباط زنجیره‌وار موردها و افزایش بهمن‌وار حجم نمونه‌ها، «گلوله‌برفی» نامیده می‌شود (حبیبی، ۱۳۹۳: ۲۳۹).

نمونه‌ها گروه سنی ۱۸-۴۰ سال هستند که مادر یا پدر ایشان سابقه تحصیلات حوزوی داشته باشد و تعارض، چالش و یا تنش در زمینه همسرگزینی را با والدین خود تجربه کرده باشند. گروه سنی جوانان (۱۸-۴۰) به این دلیل انتخاب شد که معمولاً در این دوره از زندگی فرزندان اختلافات نسلی با والدین به اوج می‌رسد چرا که نوجوانان و جوانان به ارزش‌های مدرن گرایش پیدا می‌کنند و احساس بحران هویت ناشی از جداافتادگی اغلب به این دوه از زندگی تعلق دارد. اغلب مصاحبه‌ها در دو مرحله صورت گرفت؛ به این دلیل که به تدریج با پیش رفتن کار سؤالات جدیدی و مفاهیم تازه‌ای به چارچوب مصاحبه افزوده می‌شد که لازم بود از نمونه‌های قبلی نیز پرسیده شود.

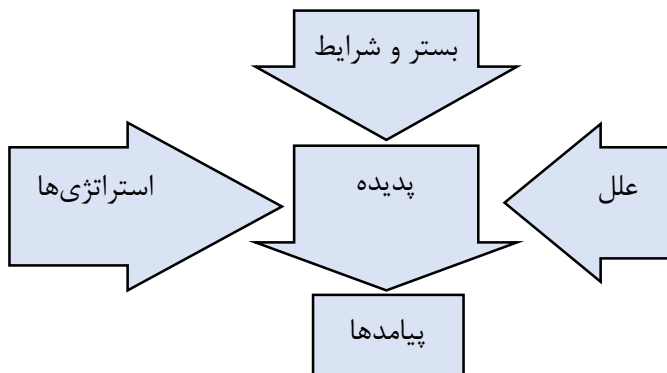
در جدول زیر اطلاعات زمینه‌ای و مشخصات نمونه‌های تحقیق احصا شده است:

شماره مصاحبه	جنسیت	سال تولد	سابقه طلبگی والدین	سابقه دانشگاهی والدین	تحصیلات	محل سکونت	وضعیت تأهل	محل سکونت خود	محل سکونت والدین	تعداد فرزندان خانواده
۱	زن	۷۳	هر دو	هر دو	کارشناسی ارشد	تهران	متاهل	تهران	قم	۳
۲	زن	۶۹	پدر	پدر	کارشناسی ارشد	تهران	متاهل	تهران	قم	۴
۳	زن	۷۲	هر دو	هیچ کدام	کارشناسی ارشد	تهران	مجرد	قم	قم	۶
۴	مرد	۷۴	هر دو	هیچ کدام	دانشجو کارشناسی ارشد	تهران	مجرد	تهران	قم	۲
۵	مرد	۷۱	پدر	مادر	دانشجو کارشناسی	تهران	متاهل	قم	قم	۲

					ارشد و طلبه					
۶	زن	۷۵	پدر	هیچ کدام	دانشجو کارشناسی ارشد	کاشان	متاهل	قم	قم	۷
۷	زن	۷۲	پدر	پدر	کارشناسی	تهران-سیستان و بلوچستان	مجرد	قم	قم	۴
۸ (دانشجوی حذف شده)	زن	۸۲	پدر	مادر	دانش آموز		مجرد	قم	قم	۴
۹	مرد	۷۳	پدر	مادر	دانشجو کارشناسی ارشد	تهران	مجرد	تهران	قم	۲
۱۰	مرد	۷۹	پدر	مادر	دانش آموز و طلبه	قم	مجرد	قم	قم	۴
۱۱	مرد	۷۳	پدر	هیچ کدام	کارشناسی	تهران	مجرد	قم	قم- بروجن	۵
۱۲	زن	۶۰	هر دو	هیچ کدام	دانشجو کارشناسی	قم-تهران	متاهل	قم	قم	۷
۱۳	زن	۶۵	هر دو	هیچ کدام	کارشناسی ارشد	اصفهان-تهران	مجرد	قم	قم	۲
۱۴	مرد	۶۱	پدر	هیچ کدام	دکتری		متاهل	قم	قم	۷
۱۵	زن	۶۲	پدر	هیچ کدام	کارشناسی ارشد	تهران-اصفهان	متاهل (با سابقه طلاق)	اسکاتلند	تهران	۴
۱۶	زن	۷۰	پدر	پدر	دانشجو کارشناسی ارشد	تهران	مجرد	تهران	قم	۳
۱۷	زن	۷۳	مادر	پدر	کارشناسی ارشد	قم	متاهل	قم	قم	۲

در گام بعدی به سراغ تحلیل داده‌ها رفتیم. برای ارائه تفاسیر انتزاعی از داده‌ها، توصیف نقش مبنایی دارد و پایه‌ای برای نظریه است. لازم است رویدادها به خوبی توصیف و سپس تحلیل و تفسیر شود تا به روشنی معلوم شود پدیده چه بوده؟ و چرا و چه وقت و چگونه روی داده؟ (استراوس و کربین، ۱۳۹۵: ۴۰) برای تحقق این امر داده‌های جمع‌آوری شده را کدگذاری کردیم. «کد عبارت است از کلمه، مفهوم یا برجسی که به یک یا چند واحد عبارتی شامل جمله، گزاره، پاراگراف یا صفحه الصاق می‌شود» (حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۷). برای تقلیل و تحلیل داده‌ها سه مرحله کدگذاری - کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی - انجام شد. تبیین مسئله با استفاده از داده‌های موجود بر اساس مدل پیشنهادی اشتراوس و کوربین انجام شد.

مدل پیشنهادی اشتراوس و کوربین (فیلیک، ۱۳۹۲: ۲۳۴)



باید در نظر داشت که هستی‌شناسی پارادایم کیفی بر تکرر واقعیت در جهان اجتماعی باور دارد. واقعیت اجتماعی واحد و ثابت نیست که بتوان مفهوم «پایایی» یا «تکررپذیری» را برای ارزیابی آن در نظر گرفت. پیگیری مفهوم پایایی در تحقیق کیفی ممکن است با نادیده گرفتن بستر یا پیچیدگی سوژه همراه باشد (حبیبی، ۱۳۹۳: ۴۱۹). در ارزیابی تحقیقات کیفی، موضوع اعتبار بیش از پایایی مورد توجه قرار گرفته است. به نظر فیلیک پرسش از اعتبار می‌تواند در این پرسش خلاصه شود که آیا محقق همان چیزی را می‌بیند که تصور می‌کند می‌بیند؟ (فیلیک، ۱۳۹۲: ۴۱۴). برای تحقق این امر در

تحقیق پیش‌رو متن مصاحبه‌ها و سایر داده‌های برگرفته از میدان همراه با مقولات برآمده از آن در فرآیند کدگذاری برای اساتید و متخصصان فرستاده می‌شد که تا حد ممکن محقق از خطا و تحقیق از خدشه به اعتبار مصون بماند. اما باید توجه داشت که استفاده از معیارهای کلاسیک در ارزیابی تحقیق کیفی در معرض تردید بوده است. گلیرز و اشتراوس نیز داوری اعتبار نظریه بنیادین در تحقیق کیفی مطابق معیارهای تحقیق کمی را زیر سؤال می‌برند و داوری بر مبنای مؤلفه‌های روش کیفی را پیشنهاد می‌کنند. علاوه بر آنها لینکلن و گوبا نیز در راستای تلاش برای تدوین معیارهای بدیل اعتبار و پایایی برای تحقیقات کیفی، اعتمادپذیری، باورپذیری، اطمینان‌پذیری، انتقال‌پذیری و تصدیق‌پذیری را معرفی می‌کنند (همان: ۴۲۰). در این راستا هر یک از مقولات ساخته‌شده با شاهدمثالی از روایت‌های مصاحبه‌شوندگان مستند شده‌اند. همچنین پس از تدوین یافته‌های تحقیق به میدان بازگردانده شد؛ به این صورت که آن‌چه به‌عنوان یافته‌ها و نتایج تحقیق به‌دست آمده‌اند، در نهایت به برخی از مصاحبه‌شوندگان عرضه شد و مورد تأیید ایشان قرار گرفت.

یافته‌ها

پس از شروع اجرای برنامه‌های نوسازی در دهه ۶۰ شمسی، وضعیت خانواده سر به سوی دگرگونی گذاشت. دامنه تغییرات، آهسته‌آهسته ماهیت، کارکرد، اشکال و الگوهای ازدواج و روابط درون خانواده را دربرگرفت. از شاخص‌های زندگی مدرن شهری، تغییرپذیری مدام و سریع در حوزه فکر و فرهنگ است. به دنبال این خصوصیت چالش و گسست در روابط، به طور خاص روابط میان‌نسلی پدید خواهد آمد. در این بخش درصدد یافتن پاسخی برای سؤالات تحقیق از میان داده‌های جمع‌آوری شده هستیم. اینکه فرزندان طلبه چه چالش‌ها و گسست‌هایی در زمینه ازدواج با والدین خود احساس می‌کنند؟ و چگونه با آن مواجه می‌شوند؟

الگوهای همسرگزینی

درون‌همسرگزینی در مقابل برون‌همسرگزینی

ازدواج در دوران تجدد بیش از پیش به صورت رابطه‌ای مبتنی بر احساس رضایت

عاطفی ناشی از همزیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب، تبدیل شده است (گیدنز، ۱۳۹۲: ۹۳). نگاه متفاوت به روابط زناشویی بالتبع ملاک‌های متفاوتی را برای انتخاب شریک زندگی به وجود خواهد آورد. از جمله چالش‌هایی که فرزندان در مسیر ازدواج، با خانواده به آن دچار شده بودند، تعارضات مرتبط با معیارهای انتخاب همسر بود.

«طلبه بودن» یکی از معیارهای فرد کاندید برای ازدواج با دختران از سوی برخی از والدین طلبه وجود دارد. این معیار نشان‌دهنده تمایل والدین طلبه به وصلت با افرادی در گروه اجتماعی خود است. یکی از دختران که سال‌های زیادی از ازدواجش می‌گذشت و علی‌رغم میل باطنی‌اش با طلبه ازدواج کرده بود، از اهمیت این معیار برای والدین خود چنین می‌گفت:

«آره کیس ایده آل تو خانواده آخوند طلبه سید بود. مامانم می‌گفت طلبه سید پاکه... ولی آخرین خواستگار من یه آقای بود دانشگاه شهید بهشتی دانشجو پزشکی بود... فکر می‌کردم اون موقع پسندیده بودم شایدم بخاطر اینکه انقدر خواستگار اومده بود همه طلبه طلبه اصلا دیگه واقعا دلم نمی‌خواست با طلبه ازدواج کنم. بعد اومد خواستگاری رسیدیم تا جلسه‌ای که باید جوابشونو می‌دادیم بیان برای مهربرون. یه دفعه یکی از دوستای خانوادگیمون زنگ زد که یک نفر هست که می‌خواد بیاد خواستگاری سمانه خانم و معرفی کرد و همین مجتبی هستش که اینم طلبه هستش بعد بین روز چهارشنبه بود که مجتبی اومد خواستگاری من و من می‌گفتم که به اون پزشک بگیم بیاد بابام اینا می‌گفتن نه! مجتبی که اومد انگار نجات پیدا کرده بودن بابا و مامانم.»

تمایل به درون‌همسری در میان افرادی که از موقعیت فرهنگی، اجتماعی خود نه‌تنها رضایت دارند، بلکه ارزش‌ها و اعتقادات خود را برترین و برگزیده می‌دانند، پربیراه نیست؛ چرا که موجب تثبیت و تحکیم روابط اجتماعی می‌شود، از تغییر مسیر فرزندان و تغییر ارزش‌ها پیشگیری می‌کند، و نسل و جمعیت در راستای تحقق آرمان‌ها ادامه پیدا خواهد کرد.

در مقابل تعارض در ارزش‌ها و الگوهای عمل در برخی مواد باعث می‌شود فرزندان تمایلی به ازدواج درون‌گروهی نداشته باشند. برای برخی از فرزندان که از وضعیت طلبگی خانواده رضایت ندارند، ازدواج مفری برای گریز از وضعیت طلبگی و قواعد حاکم بر زندگی

طلبگی است. این موضوع به‌خصوص در مورد دختران ناراضی از وضعیت طلبگی خانواده امری جدی محسوب می‌شد. چرا که هویت دختران تابعی از هویت پدر و سپس شوهر تلقی می‌شود. «هویت تابعی» بیان می‌کند که دختران پیش از ازدواج در نسبت با پدر و با «دختر طلبه» بودن هویت پیدا می‌کنند و پس از ازدواج در نسبت با شوهر به‌عنوان «همسر طلبه». یکی از دختران درباره ازدواج با فردی طلبه چنین نظری داشت:

«خیلیا که اصلاً فکر میکنن ما باید با طلبه ازدواج کنیم. به مامانم میگم اصلاً یعنی منو اگه بکشی همچین کاری نمی‌کنم».

یکی از پسران نیز درباره اهمیت پیوند با خانواده‌ای غیرطلبه می‌گفت:

«باید برم خودمو محدود کنم یه بچه طلبه بگیرم که این شکلی باشه! و این زندگی رو نمی‌خوام! خب چون میگم اون بخش زندگی که دست خودمه متفاوت انتخاب کنم. یا باید انتخابم محدود بشه به ۵ درصد جامعه و از این تریپا یا اگه خودم انتخاب کردم بعداً تو زندگی مشکل پیش میاد و این همیشه ذهنمو مشغول می‌کنه که چجوری هندل کنم؟»

تعجیل در ازدواج در مقابل تأخیر در ازدواج

تشکیل خانواده در اسلام به‌عنوان راهی برای رشد و کمال، دستیابی به سلامت و آرامش، ادامه نسل و حفاظت‌کننده از بسیاری از آسیب‌های اخلاقی است. ازدواج تنها مسیر معرفی شده برای رسیدن به این هدف است. سن ازدواج به دلیل ارتباط با سن شروع و پایان تولیدمثل اهمیت می‌یابد. متأثر از این، جو حاکم بر حوزه علمیه امروز، جوّی است که ازدواج زودهنگام (به تعبیر فعالان اجتماعی) را توصیه می‌کند. این درحالی‌ست که در منابع و از سوی علما توصیه‌هایی مبنی بر عدم تعجیل در ازدواج از سوی طلاب به چشم می‌خورد. شهید ثانی در اهمیت ازدواج به‌هنگام طلاب می‌فرماید: «باید طلبه تا وقتی که نیازمندی‌های علمی و تحصیلات خود را برآورده نکرده است، از تأهل و تشکیل خانواده خودداری ورزد؛ زیرا تأهل و ازدواج بیشترین عامل سرگرمی‌های غیرعلمی و بزرگ‌ترین مانع تحصیلی است، بلکه می‌توان آن را علت تامه همه موانع

تحصیلی تلقی کرد» (شهیدثانی، ۱۳۸۵: ۲۲۸). با وجود این، به نظر می‌رسد شرایط دوران جدید در کنار انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی از فرزندآوری که یکی دیگر از نقاط مشهود تلاقی سرمایه‌های حوزوی و سن ازدواج در خانواده‌های طلبه است، سیاست‌های حوزه را به‌عنوان یک نهاد به سمت تشویق به ازدواج و فرزندآوری سریع‌تر سوق داده است. یکی از پایگاه‌های اطلاع‌رسانی اینترنتی حوزه علمیه مصاحبه‌ای درباره سن ازدواج منتشر کرده بود. در این مصاحبه طلبه جوانی درباره سن ازدواج طلاب می‌گفت:

«روایت داریم که هر کس در آغاز نوجوانی ازدواج کند، دوسوم دینش را حفظ کرده است و یکی از حقوق فرزندان بر پدر این است که وقتی بالغ می‌شود، ازدواج کند. یعنی سن چهارده سالگی سن ازدواج است. با این حساب سن شانزده یا هفده سالگی برای ازدواج زود نیست بلکه به‌هنگام است... ما طلبه‌ها معتقد به روایات و اهل بیت علیهم‌السلام هستیم. وقتی روایت می‌فرماید «رکعتان یصلیهما المتزوج افضل من سبعین رکعة یصلیهها أعزب» یا «أفضل من قیام لیلہ و صیام نهاره» دو رکعت نمازی که انسان متأهل می‌خواند افضل از هفتاد رکعت نمازی است که انسان مجرد می‌خواند یعنی خداوند به عبادت انسان متأهل برکت می‌دهد. ... ممکن است فردی بگوید زمانی که من مجرد بودم در حجره روزی ده ساعت مطالعه داشتم اما از زمانی که ازدواج کرده‌ام فقط روزی پنج ساعت مطالعه دارم و از تحصیل عقب افتاده‌ام، اما چه بسا خداوند که در عبادت برکت می‌دهد و دو رکعت را به هفتاد رکعت تبدیل می‌کند، به تحصیل هم که مصداقی از عبادت است، برکت دهد. خداوند می‌تواند بیش از زمان مجردی به درس خواندن شما ثمر دهد» (ر.ک: وافی، ۱۳۹۶).

افزایش جمعیت شیعیان به‌عنوان ابزاری برای قدرت سیاسی و اجتماعی یکی از مسائل مورد تأکید در حوزه علمیه و حوزویانی است که بیش‌تر تحت‌گفتمان حاکم بر حوزه می‌اندیشند. این انگیزه‌ها با استناد به توصیه‌های برخی منابع دینی در ازدیاد نسل و جلوگیری از انقطاع نسل تئوریزه می‌شوند. برای مثال، در حدیثی امام صادق (علیه‌السلام) از پیامبر (صل‌الله‌علیه‌وآله) نقل کرده‌اند: «أَكثَرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرَ بِكُمْ الْأُمَّمَ عَدَا»: بر تعداد فرزندان بیفزایید تا در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر کنم

انتخاب مبتنی بر کهنسال‌سالاری در مقابل انتخاب مبتنی بر آزادی

آمارها و مطالعات موجود در حوزه خانواده نشان می‌دهد، افزایش نرخ سواد و تحصیلات و بهره‌مندی از آموزش، پیامدهایی همچون تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها نسبت به نسل‌های پیش از آن در بر داشته است. نوع نگرش به ازدواج، انتظارات از رابطه زناشویی و شیوه‌های انتخاب همسر از جمله موارد دست‌خوش تغییر است. از سوی دیگر موقعیت شغلی و تحصیلی به‌خصوص در مورد دختران نسبت به گذشته تغییرات چشمگیری کرده است. وابستگی اقتصادی کمتر به خانواده خود عاملی برای کاهش اقتدار و تسلط خانواده در تصمیماتی همچون ازدواج و انتخاب همسر بوده است. یکی از دختران در این باره می‌گفت:

«زهرا بین من باز فکر می‌کنم که از وقتی که رفتم سر کار خیلی این‌گیرا کمتر شده خیلی! اون موقع هرچی می‌خواستم برم پول از بابام بگیرم بابام می‌گفت مثلاً برای چی می‌خوای؟ الان دیگه مثلاً پولمو خودم درمی‌ارم بخوام باش میرم بیرون تفریح می‌کنم هر کاری دلم بخواد انجام میدم اونا الان میان به من بگن تو الان چقد پول داری آمار پولت رو به ما بده... تازه اگه درآمدت اونقدر باشه که کمک به خانواده کنی که دیگه فکر کنم اونا بهت پوئنا می‌میدن».

یکی دیگر از دختران فارغ‌التحصیل کارشناسی‌ارشد، شاغل و از خانواده‌ای دارای تحصیلات حوزوی و دانشگاهی بود. دختری موجه و معقول و مورد تأیید خانواده که با همسر خود از طریق فعالیت‌های اجتماعی مشترکشان آشنا شده بود. او درباره تجربه خود از این الگوی همسرگزینی و مواجهه خانواده با این انتخاب چنین می‌گفت:

«برادرم هم شکل ازدواجش خیلی متفاوت بود و خیلی هم تنش داشت! ولی در مجموع فکر کنم ساده‌تر گذشت. یا الان، ما که به هر حال زن سنتی نیستیم دیگه خونمون ممکنه کثیف باشه، روزای زیادی سرکار باشیم بعد اصلاً نوع نگاهمون به بچه اینطوری نیست که بشینیم به پاش سال‌ها کاری نکنیم خب هضمش واسه خانواده سخته!»

یکی از دختران که خانواده‌ای سنتی و مادر و پدری طلبه داشت؛ درباره اینکه چه شد که با همسر سابقش ازدواج کرد، گفت:

«من رفتم با یکی از خانم‌هایی که خیلی قبولش داشتم مشورت کردم. وقتی برگشتم

مامانم یه سیلی خوابوند تو گوشم که برای چی میری مشورت می‌کنی در این مورد وقتی تکلیف مشخصه باید با این ازدواج کنی؟»

ازدواج مبتنی بر کهنسال‌سالاری، طیفی از ارزشمندتر و مهم‌تر بودن نظر والدین تا ازدواج با تحمیل والدین و سالمندان خانواده را در بر می‌گیرد. در مورد آخر، مادر، فرزند را تحت فشار روانی (ترک منزل در صورت عدم ازدواج فرزند با فرد مذکور) قرار می‌دهد و در نهایت با مشاهده ادامه تردید از جانب دخترش به تنبیه فیزیکی روی می‌آورد. تنبیه فیزیکی هم فشار دیگری برای وادار کردن او به این تصمیم است و هم مجازات او برای تشکیک در نظر والدین است. در واقع ازدواج اجباری به معنای مجبور کردن یا تحت فشار درآوردن فردی برای ازدواج، نوع حاد و شدید الگوی مبتنی بر کهنسال‌سالاری است.

نمونه دیگری از ازدواج تحت فشار والدین، ازدواج دختری متولد اوایل دهه ۶۰ است. او سال‌های دوره کودکی تا چهارده سالگی را در دو شهر از خطه آذربایجان و کردستان سپری کرده، که قتل‌های ناموسی، تجربه کم‌شماری در آن نواحی فرهنگی نبوده است. او پدری طلبه و مادری با خاستگاه سنتی دارد؛ و این چنین از یکی از موارد متعدد شیطنت‌های دوران نوجوانی‌اش که منجر به ازدواج او شد، می‌گوید:

«من عاشق پسر همسایه شدم و باهاش حرف زدم یعنی فقط عشق کشکی نبود من با پسر حرف زدم و [بابام فهمید] به بابام گفتم که نه نه ما می‌خوایم با هم ازدواج کنیم که بابای من مثلاً بذاره، بعد بابام گفت خب بیاد بگیردت! منم رفتم به پسره گفتم، پسره به من گفت برو بابا گرفتن چیه؟ گفتم من به بابام گفتم ما می‌خوایم باهم ازدواج کنیم و اینا، بالاخره پسره رو یه کاری کردم پاشه بیاد خواستگاری من، که بابای من مثلاً منو نکشه!» این دختر در جای دیگری گفته بود: «مامان من به من می‌گفت بابات بفهمه می‌کشدت و من باور قلبیم این بود که بابام می‌کشم اگه بفهمه! چون در زمان ما مد بود و من قشنگ یادمه».

یکی از پرسش‌های تحقیق درباره استراتژی‌های فرزندان در مواجهه با تعارضات برآمده از الگوهای ازدواج بوده است. استراتژی فرزندان در سه سنخ: مبارزه، تسلیم و

پنهان‌کاری قابل تبیین است. مفهوم سنخ یا سنخ آرمانی^۱ در ادبیات ماکس وبر مطرح می‌شود. سنخ آرمانی دارای واقعیت خارجی و تاریخی نیست. یک برساخت مفهومی و یک مفهوم حدی ایده‌آل است که وضعیت و واقعیت مشخصی با آنها مقایسه و بررسی می‌شود تا مؤلفه‌های مهم و معنادار آن آشکار شود (وبر، ۱۳۸۲: ۱۴۲ و ۱۴۵).

استراتژی ستیز

نمونه آرمانی استراتژی «ستیز» فرزندی است که برای ازدواج مطابق میل خود با والدین‌اش در چالش و مبارزه است. نمونه‌های واقعی استراتژی «ستیز» در تحقیق اما افرادی هستند که صرفاً مقاومت در مواجهه و مبارزه کردن برای ازدواج مطلوب‌شان از مقومات اصلی شیوه مواجهه آنها به‌شمار می‌آید. مبارزه کردن برای خواسته‌ها و رسیدن به اهداف اگر از سوی والدین نیز با مواضع سخت‌گیرانه همراه باشد، به تعارضات پرتنش و خشونت‌آمیزی می‌انجامد. یکی از فرزندان طلبه پس از تلاش‌ها و مبارزه‌های بسیار مانع خانواده را در دستیابی به برخی اهدافش مثل انتخاب نوع پوشش یا داشتن رابطه با جنس مخالف به دست آورده بود. او از تمایلی درونی برای شکست پدر و نافرمانی کردن می‌گفت:

«مثلاً من زنگ زدم به بابام گفتم: سلام من می‌خوام با ... همخونه بشم و پدر من به من گفتش که بسلامتی. چون می‌دونست که چیز دیگه‌ای که نمی‌تونه بگه، یعنی چیز دیگه‌ای بگه من می‌خوام جار و جنجال راه بندازم... بین اصلا من لذتی که به بابام گفتم انگار یه پیروزی خیلی بزرگی بود برا من، من می‌گفتم که خب من... یعنی اون احساس اینکه من بالاخره مستقل شدم... بخاطر این خاطرات قاشق کف دست گذاشتن من علاقه شدیدی به شکستن پدرم داشتم».

استراتژی تسلیم

تیپ ایده‌آل استراتژی «تسلیم» به معنی قبول الگوی همسرگزینی مطلوب والدین است. اهدافی همچون حفظ آرامش فضای خانواده، روابط خانوادگی و کسب رضایت

1. ideal type

والدین و یا فشار فزاینده از سوی خانواده از جمله دلایل اتخاذ این استراتژی از سوی فرزندان است. یکی از فرزندان که تمایلی به ازدواج به‌خصوص با فردی طلبه نداشته است، ولی به‌دلیل فشارهای مادرش برای ازدواج با آخرین خواستگار طلبه‌اش بعد از مقاومت‌های بسیار، چاره‌ای پیش‌روی خود نمی‌بیند و تن به این ازدواج ناخواسته می‌دهد. او ماجرای ازدواجش را این‌گونه شرح داد:

«یادمه که پنج شبیه می‌خواستن بیان مهربرون مامانم می‌گفت که میوه و اینا بخریم من کلاً گریه می‌کردم تو ماشین. می‌گفتم که من پیاده نمیشم! مگه قرار نبود بگید نه؟ مامانم می‌گفت آره باشه حالا که می‌خوان بیان زشته بگیم نه! حالا بذار بیان اومدن نشستن بهشون می‌گیم نه! شام درست کرد، چیزمیز خرید، دوستامونو دعوت کرد و اینا. مجتبی اینا از در اومدن تو با خنچه، چادر نماز و چادر سفید و انگشتر و اینا. من به مامانم گفتم از آشپزخونه در نیام! به هیچ عنوان در نیام! چون نمی‌خوام اینو! نمی‌تونم با این آدم ازدواج کنم. نمی‌خوام!... قبلش مامانم گفت که بذار اینا بیان من بهت قول میدم که اگر که تو مهمونی گفتی نه من خودم یه کار می‌کنم که برن دیگه. گفتم مامان همیشه اینجوری زشته بخدا! گفت: نه، نه! اونا بالا نشستن چک و چونه مهریه زدن. مردا گفتن که سمانه خانم این پایینو امضا کنه. مامانم هی می‌گفت: امضا کن! امضا کن! منم گفتم مامان من که به تو گفتم نمی‌خوام! [مامانم] هی اصرار اصرار!... گفتم حداقل بذار دیگه باهاش حرف بزنم! از پله‌ها داشتم می‌رفتم بالا گفتم یه دعوا راه میندازم میام پایین... ولی اونا می‌خواستن منو شوهر بدن دیگه! از پله‌ها داشتم می‌وادم پایین واقعاً گیج گیج بودم. فقط رفتم گفتم کجا رو باید امضا کنم؟ انقدر شاکی بودم که فکر می‌کردم فقط اینجوری راحت میشم. که اینو امضا کنم راحت بشم. بعد اینو امضا کردم مامانم شروع کرد ماچم کرد و کل کشیدن و اینا!»

استراتژی پنهان‌کاری

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد برای بیرون آمدن از موقعیت تعارض‌آمیز و رسیدن به وضعیت «تعادل»، گاهی آخرین سکوی فرزند انتخاب استراتژی «پنهان‌کاری» است. دروغ گفتن، پنهان کردن و فریب دادن والدین همگی در گروه استراتژی‌های

پنهان کارانه قرار می‌گیرد. گاهی پنهان کردن تنها راه گریز فرزندان از قواعد والدین است و اتفاقاً راهی کم‌هزینه‌تر نسبت به سایر شیوه‌ها به نظر می‌رسد. روایت یکی از دختران که پدری دارای تحصیلات عالی دانشگاهی و حوزوی داشت و اتفاقاً علی‌رغم تفاوت‌های فاحش فرزند و والدین روابط عاطفی گرم و صمیمانه‌ای در خانواده داشتند، یکی از نمونه‌های بارز استراتژی پنهان کارانه است. او و ... سال‌ها بود در رابطه‌ای صمیمانه و موفق با هدف نهایی ازدواج با یکدیگر به سر می‌بردند. او درباره آشنایی و رابطه با فردی برای ازدواج، با مادر خود صحبت کرده بود. روایت این فرزند به خوبی نشان‌دهنده انگیزه برخی از فرزندان برای پنهان کاری کردن است:

«الانم من می‌دونم اینا با این مسئله مشکل دارن. همین الانم قطعاً مطمئنم مشکل دارن. ولی هم من چیزی به زبون نمی‌ارم حالا یا خودش فکر نمی‌کنه من این کارو می‌کنم، یا به این نتیجه رسیده خب من زورم به این بچه نمیرسه که دیگه بخوام جلوشو بگیرم، یا هر فکر دیگه‌ای. چون من واقعاً نمی‌تونم فکر اونو بخونم، ولی می‌دونم قطعاً به قول خودت مثل قضیه‌ی سیگار که می‌دونم قضیه سنگینه براشون این مسئله هم خیلی طبیعیه که بخواد براشون سنگین باشه. اصلاً جزء بدیهیات میتونه باشه. من می‌دونم که اگه بفهمم هم قطعاً برخورد خیلی مسالمت‌آمیز و زیبایی شاید نخواهیم داشت... خودم اصلاً دوست ندارم باهاشون وارد دعوا بشم... حالا اگر فرضاً پدرم بدونه من سیگاری هستم حالا چه پوینتی به اون اضافه می‌کنه؟ یا اینکه چه پوینتی به من اضافه می‌کنه؟ جز اینکه تماماً واسش رنج ایجاد می‌کنه و ترجیح میدم نگم. ولی واقعاً صرفاً بخاطر اینکه می‌دونم واقعاً ناراحت میشن».

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این تحقیق به دنبال فهم تعارضات میان دو نسل والدین و فرزندان در زمینه الگوهای ازدواج و در ساحت زندگی طلبگی بوده‌است. این تعارضات از مفهوم اختلاف که پدیده‌ای طبیعی، مورد انتظار و صورت خفیف تعارض است تا شکاف، گسست و انقطاع میان دو نسل را که صورت‌های شدیدتر تعارض میان والدین و فرزندان است، در بر می‌گیرد. در این تحقیق می‌خواستیم بدانیم با توجه به تجربه و دید فرزندان طلبه چه

گسست‌ها و چالش‌هایی با والدین در زمینه ازدواج وجود دارد؟ و آنها چگونه با آن مواجه شده و در واقع چگونه آن را رتق و فتق می‌کنند؟

بنظر می‌رسد وضعیت موجود روابط بین نسل‌ها در خانواده‌های طلبه از الگوی موجود این روابط در سایر اقشار جامعه پیروی می‌کند. این مطالعه تقابل سه الگوی همسرگزینی را نشان می‌دهد: انتخاب مبتنی بر کهنسال‌سالاری در مقابل انتخاب مبتنی بر آزادی، تعجیل در ازدواج در مقابل تأخیر در ازدواج، درون‌همسرگزینی در مقابل برون‌همسرگزینی. مواجهه فرزندان با تعارضات نسلی در ازدواج را می‌توان در سه نوع «ستیز»، «تسلیم» و «پنهان‌کاری» دسته‌بندی کرد. لازم به ذکر است که هیچ‌کنشگری تنها یک استراتژی را اتخاذ نکرده است بلکه در طول مواجهات خود استراتژی‌های گوناگونی را تجربه کرده است.

به نظر می‌رسد یکی از تغییرات ناشی از دوران مدرن بر کارکرد تربیتی خانواده، خارج شدن مسئولیت تربیت فرزندان از والدین به عنوان متصدیان اصلی به نهادهای متعددی است که خانواده یکی از آنهاست. اکنون نهاد آموزش و پرورش یکی از سازمان‌های اصلی و جدیدی است که در زمینه جامعه‌پذیری، تعلیم و تربیت و انتقال ارزش‌ها نقش ایفا می‌کند. در کنار نهاد رسمی آموزش و پرورش، نهادها و منابع دیگری هم‌چون رسانه‌های جمعی و شبکه‌های اجتماعی، گروه‌های اجتماعی چون مسجد و باشگاه و... نیز در کنار خانواده در تربیت و آموزش مشارکت دارند.

برداشته شدن مسئولیت تربیت فرزندان به‌تنهایی، همراه با تکثر منابع تربیتی، تفاوت‌ها، تقابل‌ها و تعارضات نسلی را شدت بخشیده است. در مورد خانواده طلبه والدین در بسیاری از مواقع نمی‌توانند نظام معرفتی حوزوی حاکم بر اندیشه خود را به فرزندان انتقال دهند. به‌عبارت دیگر نظام معرفتی به‌مثابه یک گفتمان است که در موقعیت‌های عینی به شکل یک الگو و یک صورت عینی متجلی می‌شود و کنش‌های فرد بر اساس آن تنظیم خواهد شد. حال گفتمان حاکم بر دوره دو نسل والدین و فرزندان گفتمان‌هایی متفاوت است.

ملهم از تئوری نسل تاریخی مانهایم، وقتی از نسل صحبت می‌شود، منظور آگاهی تاریخی - اجتماعی مشترکی است که افراد یک نسل دارا هستند و آن را درونی می‌کنند، ویژگی نسلی که حاصل تجربه‌های نسلی دوره جوانی است بر گرایش‌ها و اعمال آتی

افراد اثرگذار است (یوسفی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). تقابل‌های والدین طلبه و فرزندان در الگوهای سه‌گانه همسرگزینی نشان از حاکمیت نظام‌های معنایی متفاوت میان دو نسل است که با توجه به تئوری مانهایم قابل پیش‌بینی و انتظار است. به‌نظر می‌رسد تقابل گفتمان مدرنیته و گفتمان حوزوی، تقابل‌های نسلی میان والدین طلبه با فرزندان‌شان را شدت بخشیده است.

تجربه طلاق

در زمینه استراتژی‌های مواجهه با این تعارضات سه‌سنگ‌شناسایی شد: استراتژی ستیز، استراتژی تسلیم و استراتژی پنهان‌کاری. دو نکته در نوع استراتژی اتخاذ شده از سوی فرزندان قابل توجه است. یک: به نظر می‌رسد تجربه طلاق فرزندان، به‌خصوص دختران، کمک‌شایانی در ایجاد موقعیت فرادست در مواجهه و چانه‌زنی با والدین داشته است. دو: بر طبق روایت‌های فرزندان، شیوه عمل والدین نقشی اساسی در نوع مواجهه فرزندان با چالش‌های موجود در روابط ایشان و والدین‌شان ایفا می‌کند. هم‌اجبار و فشار والدین و همچنین روابط عاطفی قوی حاکم در فضای خانواده می‌تواند انگیزه‌ای برای فرزندان در راستای اتخاذ هر یک از سه استراتژی باشد. «پنهان‌کاری» بعضاً به واسطه اجتناب از ایجاد موقعیت ناراحت‌کننده برای والدین و برهم زدن آرامش حاکم بر رابطه است و گاهی تنها چاره برای رهایی از فشارهای والدین. «ستیز» در خانواده‌های با صمیمیت بیشتر ممکن است با هدف پیشروی به سمت خواسته‌ای بیشتر با آگاهی از نرمش والدین رخ دهد. «تسلیم» نیز گاهی با هدف کسب رضایت والدین است و گاهی از سر ناچاری.

جنسیت

به‌نظر می‌رسد تعارض در الگوهای ازدواج در فرزندان دختر پررنگ‌تر است؛ یا حداقل دغدغه جدی‌تری است. داده‌ها نشان‌دهنده برخورداری بیشتر پسران از استقلال در زمینه ازدواج‌اند. برای مثال پسری در مصاحبه «سن ازدواج» را به‌عنوان چالشی در رابطه والد-فرزندیشان بیان نکرد؛ در حالی که این موضوع دغدغه بسیاری از دختران طلبه است. از این‌رو که نگرش تربیتی والدین نسبت به فرزندان دختر و پسر تفاوت

فاحشی دارد. اغلب والدین دختران را برای نقش‌های خانوادگی به خصوص همسر بودن و مادر بودن آماده می‌کنند. اغلب آزادی و استقلال دختران در ازدواج نسبت به پسران اهمیت کمتری دارد و به میزان کمتری از آن برخوردار اند.

عدول از دستوره‌های والدین و کهنسالان اگر چه در مورد همه فرزندان تخلف از نظم اخلاقی حاکم است، اما این تخلف در مورد دختران نابخشودنی‌تر به نظر می‌رسد. مثلاً یکی از دختران متأهل که به صورت غیرسنتی با همسر خود آشنا شده بود، در مورد تفاوت مواجهه خانواده با این شکل از ازدواج در مورد خود و برادرش، گفت:

«برادرم هم شکل ازدواجش خیلی متفاوت بود و خیلی هم تنش داشت. ولی در مجموع فکر کنم ساده‌تر گذشت».

میانجی ارتباطی

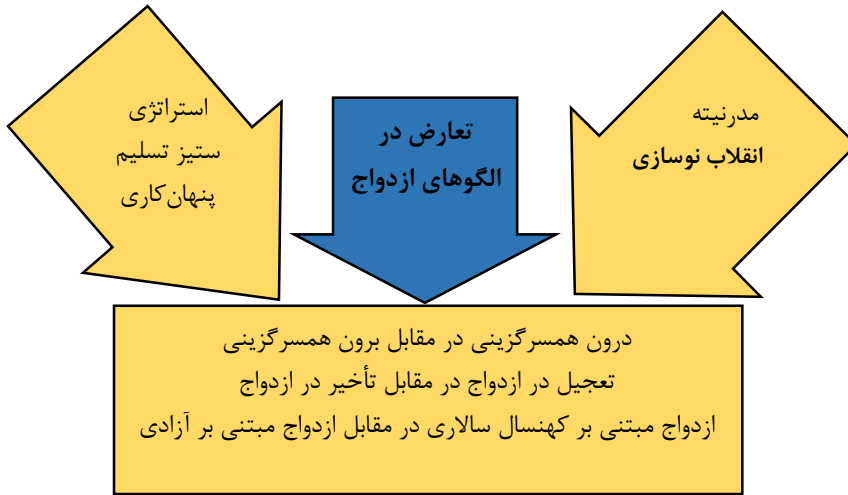
حتی در وضعیت تعارض‌آمیز ملاحظه می‌کنیم که متغیرهایی در رابطه نقشی تسهیل‌گرانه برعهده دارند. «وضعیت تحصیلی» یکی از میانجیان تسهیل‌کننده روابط و کمک‌کننده به حل و فصل تعارضات در روابط میان‌نسلی خانواده‌های طلاب شرکت‌کننده در این تحقیق است. «وضعیت تحصیلی» به همان میزان که می‌تواند خود موضوع چالش برانگیخته در خانواده باشد، به نظر می‌رسد پتانسیل بهبود روابط از وضعیت مخاصمه به مصالحه را داشته باشد. در شرایطی که فرزند به لحاظ تحصیلی در موقعیتی مطلوب و مطابق ایده‌آل‌های والدین قرار داشته باشد. یکی از فرزندان که پایین‌ترین کیفیت تحصیلی را در خانواده خود داشته و تعارضات متنوعی را نیز با والدین خود تجربه کرده بود، چنین می‌گفت:

«یعنی ببین اگه من مثلاً درس‌خون بودم ۷۰ درصد [مسائل] حل بود، یعنی اگه شاگرد اول کلاس بودم».

عمل میانجی نه کاستن از تفاوت‌ها بلکه اثرگذار در پذیرش آنهاست. در واقع میانجی باعث قابل‌تحمل شدن تفاوت یا تعارض موجود می‌شود از این‌رو که می‌تواند روابط پرمناقشه و شکننده را از وضعیت بغرنج خارج کرده و واسطه‌ای برای برقراری روابطی در هم شکسته باشد. میانجی‌های تسهیل ارتباط از آن جهت که به برقراری روابط کمک

می‌کنند اختلافات و تعارضاتی را نیز لاجرم با خود به همراه می‌آورند؛ تعارضاتی که در بطن روابط پنهان است.

یافته‌های تحقیق بر اساس مدل پیشنهادی اشتراوس و کوربین (فیلیک، ۱۳۹۲: ۳۳۴).



پیشنهاد پژوهش

با توجه به حجم کم تحقیقات در زمینه زیست طلاب و همچنین اهمیت جدی مطالعه جوان و جوانی در ایران مطالعه موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. مطالعه جامعه‌شناختی الگوهای ازدواج و همسرگزینی به مثابه موضوع تعارض نسلی از منظر والدین

۲. مطالعه جامعه‌شناختی تعارضات نسلی در خانواده‌های طلبه

۳. مطالعه جامعه‌شناختی تعارضات نسلی در قشر مذهبی

۴. مطالعه جامعه‌شناختی الگوهای مطلوب همسرگزینی طلاب.

منابع

- استراوس، انسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۵) مبانی پژوهش کیفی، فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه ابراهیم افشار، تهران، نی.
- بالس، کریستوفر (۱۳۸۰) ذهنیت نسلی [دیدگاهی روانکاوانه درباره اختلاف نسل‌ها]، ترجمه حسین پاینده، ارغنون، شماره.
- پورقنبر، محمدحسن (۱۳۹۸) نوسازی و دگرگونی، بررسی تأثیر تغییرات اجتماعی بر نهاد خانواده در ایران (۵۷-۱۳۳۵)، تهران، شیرازه کتاب ما.
- حبیبی، غلامحسین (۱۳۹۳) بینش روش شناختی، تحقیق در علوم اجتماعی، پارادایم‌ها، روش‌ها و تکنیک‌ها، تهران، کتاب همه.
- حسینی، سید محمدرضا (۵/مرداد/۱۳۹۵) آمار حوزه‌های علمیه و روحانیون به روایت مشاور وزیر فرهنگ، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- Available at <https://www.irna.ir> (دی/۱۷/۱۴۰۰).
- حیدرپور، حانیه (۱۳۹۶) مطالعه جامعه‌شناختی مواجهه زنان طلبه با مناقشات زناشویی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۱) تحول تاریخی-گفتمانی مفهوم استراتژی، فصل‌نامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۵، شماره ۵۸.
- ساروخانی، باقر و مجتبی صدقاتی فرد (۱۳۸۸) شکاف نسلی در خانواده ایرانی؛ دیدگاه‌ها و بینش‌ها، نامه علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۴.
- سلیمانیه، مهدی (۱۳۹۷) طلبه زیستن، پژوهشی مقدماتی در سنخ‌شناسی جامعه‌شناسی زیست‌طلبگی، تهران، نگاه معاصر.
- شهیدثانی، زین‌الدین بن علی (۱۳۸۵) منیه المرید فی ادب المفید و المستفید، ترجمه رضا مختاری، قم، بوستان کتاب.
- عبداللهی، علی اصغر (۹/دی/۱۳۹۴) ۷ آمار از حوزه‌های علمیه در ایران، همشهری آنلاین.
- Available at <https://www.hamshahrionline.ir> (دی/۱۷/۱۴۰۰).
- علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳) نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، رویکرد فلسفه، جامعه‌شناسی، روانشناسی، سیاسی، تاریخی و ادبی به پدیده شکاف نسلی، تهران، جهاد دانشگاهی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- فیلیک، اووه (۱۳۹۲) درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نی.
- قاضی‌نژاد، مریم (۱۳۸۳) نسل‌ها و ارزش‌ها، بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی تفاوت‌گرایش‌های ارزشی نسل جوان و بزرگسال، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تهران.
- کاظمی‌پور، عبدالمحمد (۱۳۸۸) نسل ایکس، بررسی جامعه‌شناختی نسل جوان ایرانی، تهران، نی.

گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲) چشم‌انداز خانواده، بازتاب اندیشه، شماره ۴۴.
----- (۱۳۹۳) تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان،
تهران، نی.

معیدفر، سعید (۱۳۸۳) شکاف نسلی یا گسست فرهنگی (بررسی شکاف نسلی در ایران)، نامه علوم
اجتماعی، دوره ۲۴، شماره ۲۴.

وافی، احمدیاسر (۱۳۹۶/۰۶/۲۱) چه سنی برای ازدواج طلبه‌ها مناسب است؟، پایگاه اطلاع‌رسانی
نشست‌های دوره‌ای اساتید سطوح عالی و خارج حوزه علمیه قم.

Available at <https://neshasteasatid.com>, (دی/۱۷/۱۴۰۰).

ویر، ماکس (۱۳۸۲) دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران، هرمس.

----- (۱۳۹۵) روش‌شناسی علوم اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، مرکز.

هیوز، هنری استوارت (۱۳۶۹) آگاهی و جامعه، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، انتشارات و آموزش
انقلاب اسلامی.

یوسفی، نریمان (۱۳۸۳) شکاف بین نسل‌ها، بررسی تجربی و نظری، تهران، جهاد دانشگاهی،
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.

Good, W (1964) World Revolution and Family Patterns, London. Oxford
University Press.

Even-Zohar, Ahuva (2015) Grandparent-Grandchild Relationships in Israel: A
Comparison between Different Jewish Religious Groups, Journal of
Intergenerational relationships, Vol. 13

Lorenzini, J; Monsch, G. A.; Rosset, J (2021) Challenging Climate Strikers'
Youthfulness: The Evolution of the Generational Gap in Environmental
Attitudes Since 1999, Frontiers in Political Science, May